

Educational foundation of sanctimonious life in development prepectivisation document (the national curriculum document) from a critical point of view.

Sayed Mohammad mohammadzadeh

PhD student of Educational Sciences, Islamic Azad University of Arak, Arak, Iran.

Ahmad Ali Foroughi Abari

Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University of Isfahan (khorasgan), Isfahan, Iran.

Abstract

This study examines the educational foundations of pure life (hayat- e- tayebeh) in the national vision of change (the national curriculum document) with the critical standpoint of view about the qualitative research method. Due to the importance of the key word " hayat- e- tayebeh" in the national vision of change, the writer examines its educational foundations. The domain of examination includes the books, magazines, and the related published papers.

Because of the vast number of the sources in the field, the writer uses both the primary sources including "Nemooneh" and "Almizan" interpretation and philosophy of Islamic education and the secondary sources which include published books as well as digital ones being accessible to the writer.

Furthermore, the present study uses a series of cards designed by the writer to collect the information. The method of analysis includes content analysis, matching and theoretical inference.

The findings show that among the five sections of philosophical foundations in the vision of change (national curriculum document), 28 cases, with respect to educational foundations of pure life, have been neglected.

Key Words: Education, Hayat-e- tayebeh, Vision of change, national curriculum document, theoretical inference.

بررسی مبانی تربیتی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول (سند ملی برنامه درسی) با دید انتقادی

سید محمد محمدزاده

دانشجوی دوره دکتری علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران.

دکتر احمدعلی فروغی ابری*

استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مبانی تربیتی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول سند ملی برنامه درسی با دید انتقادی به روش کیفی از نوع توصیفی تحلیل محتوا انجام گرفت. حوزه بررسی شامل کتاب‌ها، مجلات و نوشته‌های مرتبط با موضوع مقاله بود که به منظور نمونه‌گیری نیز به علت کثرت منابع در این حوزه از منابع دست اول شامل تفسیر نمونه، تفسیر المیزان و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، منابع دست دوم شامل مکتوبات چاپی و دیجیتالی که برای محقق قابل دسترسی بود، استفاده شد. در این مقاله جهت گردآوری اطلاعات از نمونه فیش‌هایی که به وسیله پژوهشگر طراحی شده بود استفاده گردید. روش تجزیه و تحلیل به شیوه تحلیل محتوا، تطبیق و استنتاج نظری بود یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که در پنج بخش مبانی فلسفی سند چشم‌انداز تحول سند ملی برنامه درسی با توجه به مبانی تربیتی حیات طیبه از ۲۸ مورد غفلت شده است.

واژه‌های کلیدی: تعلیم و تربیت، حیات طیبه، سند چشم‌انداز تحول

* نویسنده‌ی مسؤول: ch-foroghi@khuif.ac.ir

مقدمه

تعلیم و تربیت به عنوان ضروری‌ترین نیاز جوامع بشری، همیشه مورد تأکید فرهیختگان و صاحبان اندیشه و خرد بوده است، نوع نگاه و یا جهان‌بینی هر یک از راهبران فرهنگی جامعه (به‌عنوان مبانی تعلیم و تربیت)، تعیین‌کننده‌ی جهت کلی نظام فرهنگی و به دنبال آن قواعد و مقررات تعلیم و تربیت بوده است. اساساً فلسفه‌ی وجودی آموزش و پرورش توسعه، ترویج و نگهداشت دو سطح فرهنگ اسلامی و عمومی است. به سبب وجود مشکلات، تاکنون تحولات نظام آموزشی ما بی‌مدد از فلسفه‌ی تعلیم و تربیت بومی، رخ داده است و نگاه‌ها به سمت مکاتب فلسفی تربیتی غرب بوده است. عدم وجود مبانی مستحکم فلسفه‌ی تعلیم و تربیت متناسب با نظام ارزشی و فلسفی جامعه، مشکلات بنیادی برای تعلیم و تربیت کشور ایجاد کرده است. اقتباس، از رویکردهای اساسی نظام آموزشی کشور ما در یک صدوپنجاه سال اخیر بوده است، اما ما از اقتباس‌های خود، سود آن‌چنانی نبرده‌ایم؛ زیرا تجربه‌های آموزشی کشورها برخاسته از فرهنگ و ارزش‌های آن جامعه است و اقتباس سطحی و روبنایی مانند پیوند دو عضو از دو اندام نامتجانس است؛ لذا تقلیدها و اقتباس‌های بدون مبنا و چهارچوب فلسفی و ارزشی، نه تنها مسائل مربوط به نظام آموزشی را اساساً رفع نکرده است، بلکه گاه منجر به شکل‌گیری مسائل جدید هم شده است. این در شرایطی است که در کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه در مغرب زمین، نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت بر اساس فرهنگ و فلسفه‌ی اجتماعی خود، اقدام به نظریه‌پردازی نموده‌اند تا فعالیت‌های کارگزاران نظام آموزشی با الهام از آن نظریه‌ها در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا، انسجام یابد. متأسفانه در کشور ما با سابقه‌ی دیرینه فرهنگی و علمی و به طور کل در جهان اسلام به ندرت چنین اقدامی صورت گرفته و مطالعات تربیتی عمدتاً بر مبنای نظریات تربیتی غرب با پیشینه‌ی فلسفی خاص آن فرهنگ انجام می‌گیرد. طرح تدوین سند ملی

آموزش و پرورش از طرح‌ها و برنامه‌های بنیادی و اساسی در نظام آموزش کشور است که سابقه‌ای برای آن وجود ندارد، یعنی طرحی کاملاً جدید و نو است. هدف اساسی این طرح تدوین چشم‌انداز قابل حصول در افق بیست ساله برای نظام آموزش رسمی و بیان راهبردهای کلان برای تحقق آن چشم‌انداز است. برای رسیدن به این هدف ساختار مطالعاتی ویژه‌ای تدارک دیده شده است که این ساختار مطالعاتی شامل سه کمیته است. این کمیته‌ها عبارت‌اند از کمیته‌ی مطالعات نظری، کمیته‌ی مطالعات محیطی و کمیته‌ی مطالعات مؤلفه‌های درونی نظام آموزش. کمیته‌ی مطالعات نظری تلاش می‌نماید که رهنامه (دکترین) تربیتی نظام آموزشی را که در آن وضعیت مطلوب نظام آموزشی ترسیم شده، تدوین نماید. واضح است که مطالعات کمیته‌ی رهنامه نظری نقش حساسی در تدوین سند ملی دارد و در تدوین رهنامه تربیتی فلسفه تعلیم و تربیت، جایگاه ارزشمندی به خود اختصاص داده است. باید گفت فلسفه به‌عنوان محتوا، مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی و تجویزی است که در ابعاد مختلف هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی، بنیاد مطالعات دیگر قرار می‌گیرد. این گزاره‌ها یکی از مبانی مهم و اساسی نظریه‌های تربیتی هستند. هر نظریه‌ی تربیتی به سبب ارتباط وثیق آن با انسان، باید تکلیف خود را با انسان مشخص نماید. مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت آدمی، امکانات و محدودیت‌هایش و نیز از ضرورت‌هایی که حیاتش را همواره تحت تأثیر قرار داده است، بحث می‌کند (Shokohi, 2006)؛ بنابراین آن‌ها از بنیادی‌ترین قضایا و گزاره‌های فلسفه‌ی تعلیم و تربیت به‌طور خاص و علوم تربیتی به‌طور عام به شمار می‌روند. مبانی تعلیم و تربیت بر دو گونه‌اند؛ برخی مبانی علمی هستند که از دانش‌های مرتبط با تعلیم و تربیت مانند جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و روان‌شناسی تربیتی و مانند این‌ها سرچشمه می‌گیرند؛ و بعضی دیگر، مبانی فلسفی هستند که از آبخور دیگری سرچشمه می‌گیرند. دین، ایدئولوژی

مسائلی که به نحوی به این امور مربوطاند تحقیقاتی تاکنون صورت گرفته است که می‌توان اشاره مختصری به آنان نمود.

رفیعی (Rafiaei, 2005) هدف تحقیق، بررسی حیات طیبه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حیات طیبه رهاورد سیر الی الله است که اولیای خدا با پیمودن مسیر بندگی و پاس داری از پیمان فطری و میثاق ملکوتی به آن رسیده و از ثمرات آن بهره می‌برند. حیات طیبه، در عالم «عندالله» و در تحت ولایت حق تعالی برای اولیای خدا تحقق می‌یابد. معیار برخورداری از آن، ایمان و بردباری در جهاد با هواهای نفسانی است.

داوری (Davari, 2006) هدف بررسی، مفهوم حیات طیبه در قرآن با کمک آیات قرآن است. یافته‌های تحقیق نشان داد خداوند به هر فرد مؤمنی که عمل صالح انجام دهد نوعی حیات واقعی می‌بخشد، این حیات که در قرآن از آن به حیات «حیات طیبه» تعبیر شده است «محوشده در ذات باری تعالی» است و به هر یک از مؤمنان به تناسب عمل صالحی که انجام می‌دهند مرتبه‌ای از آن را عطا می‌فرماید.

مظاهری سیف (Mazaheri seif, 2012) هدف، ارائه مدل مفهومی از مدرسه یا شاخص‌ها و مؤلفه‌های مبتنی بر نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ارکان اصلی این مدرسه مدیر، معلم، دانش‌آموز و برنامه آموزش و درسی است و مؤلفه‌های اصلی آن مدیریت و رهبری توانمند تجهیزات و فناوری کافی و مناسب است که در تداوم فعالیت آن نقش اساسی دارند. این مدرسه زمینه‌ساز تحقق مراتب حیات طیبه در دانش‌آموزان و کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیت به فراگیران بوده است. وجود چنین مدرسه‌ای موجب افزایش رضایت دانش‌آموزان، اولیاء و مسئولین از عملکرد نظام آموزش و پرورش بر اساس ضوابط و مقررات آن خواهد شد. حاجی صادقی (Haji Sadeghi, 2013) هدف، بررسی حیات طیبه در قرآن کریم است. یافته‌های تحقیق نشان

و فلسفه‌ی اجتماعی مقبول، منبع الهام‌بخش مبانی فلسفی تعلیم و تربیت به شمار می‌روند (سند تحول، ۱۳۹۰). چهارچوب فلسفی دینی طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، شامل گزیده‌ای از مهم‌ترین مفروضه‌ها و مبانی توصیفی متافیزیکی است که از منابع فلسفی (با رویکرد اسلامی) و دینی الهام گرفته و شامل بخش‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی است. شایان ذکر است که در تدوین این مبانی، به منابع معتبر مختلف دینی و فلسفی مراجعه شده است.

باید توجه داشت با عنایت به اهمیت موضوع سند چشم‌انداز توسعه و تحول در آموزش و پرورش که محصول تلاش جمع کثیری از اندیشمندان و دانشمندان در علوم گوناگون است گام بسیار جدی و اساسی در این زمینه است که با بهره‌مندی از قرآن کریم و به بیانی محور قرار دادن آیه کریمه‌ی قرآن که می‌فرماید: من عمل صالحاً من ذکر و انشی و هو مؤمن فلنحینهم حیات طیبه ... (نحل، آیه ۷۷) سعی نموده مقصود غایی تمام تلاش‌ها و فعالیت‌ها در زمینه امر مهم آموزش و پرورش را دست‌یابی به حیات طیبه، معرفی کند. لذا به نظر می‌رسد ضرورت تحقیق پیرامون این مفهوم قرآنی که محور سند چشم‌انداز و طلعه‌دار متن آن است، به مسیر واضح و آشکار است.

هدف کلی تحقیق، بررسی مبانی تربیتی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول با دید انتقادی است. هدف از بررسی مبانی تربیتی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول دید انتقادی، به‌طور کلی، ارائه‌ی تصویری درست و آینده‌نگر و پوشش دادن دغدغه‌های پیش روی تربیت دینی در فرهنگ اسلامی در جهان معاصر است.

در این مقاله به بررسی وضعیت پنج بخش فلسفی سند چشم‌انداز تحول در زمینه حیات طیبه که شامل مبانی هستی‌شناسی حیات طیبه، مبانی انسان‌شناسی حیات طیبه، مبانی معرفت‌شناسی حیات طیبه، مبانی ارزش‌شناسی حیات طیبه، مبانی دین‌شناسی حیات طیبه، پرداخته شده است. در رابطه با حیات طیبه و

می‌دهد حیات طیبه، حیات حقیقی انسانی است که حیات دنیوی با همه گستردگی اش بستر آن و حیات اخروی با جاودانگی و اهمیتش تبلور این حیات حقیقی است. این حیات اصیل و حقیقی، واقعیتی ورای حیات ظاهری است که در همین دنیا حاصل می‌شود. حیات طیبه برخاسته از مرتبه بالای روح انسانی است.

طباطبایی (Tabatabaei, 2012) هدف، بررسی حیات طیبه از دیدگاه قرآنی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، از دیدگاه قرآن کریم، حیات حقیقی از آن خداوند است و همه موجودات بهره‌ای از آن را دارا می‌باشند. حیاتی که خداوند در این زمینه به انسان معرفی می‌کند، حیات طیبه است که مظهری از حیات حقیقی خداوند است. حیاتی که عاری از هر نوع خیانت و آلودگی است، از ایمان و عمل صالح شروع شده تا در مراتب کمال، انسان را مقرب درگاه پروردگار خویش کند.

هاشمی (Hashemi, 2010) هدف، بررسی جلوه‌ها و مصادیق ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حقیقت آن است که حیات طیبه در دنیا و آخرت در سایه معرفت حقیقی خدا و رسول (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به دست می‌آید که نتیجه آن حب و اطاعت از آن بزرگواران است ملاک طیب و خبیث در اشیاء مطابق روایات قبول یا عدم قبول ولایت معصومین (ع) بوده که طبق پیمان الهی در روز است اعتراف و بدان اقرار نموده‌ایم.

با نگاهی به تحقیقات به‌عمل آمده، می‌توان دریافت که حیات طیبه نقش محوری در سعادت ابدی انسان دارد و نتیجه حرکت کمال‌گونه انسانی در راه عبودیت پروردگار است. با توجه به نقش محوری و کلیدی در سند چشم‌انداز تحول به‌صورت خاص نقش محوری در مبانی فلسفی سند تحول داشته است. از وجهی دیگر، چنانچه اشاره شد منظور از مبانی فلسفی آن دسته از عوامل و نیروهای فلسفی است که بر فرآیند تدوین اهداف و مقاصد و تعیین وسایل و ملزومات اثر می‌گذارد. گذشته از این مبانی فلسفی نقش پالایشگری اهداف و مقاصد برنامه

درسی را نیز بر عهده دارد؛ زیرا باورها و پنداشت‌های فلسفی یک جامعه مانند فیلتر -اهداف تعلیم و تربیت استخراج شده توسط برنامه‌ریزان را پالایش می‌کند و آن دسته از اهداف و مقاصدی که با فلسفه‌ی حاکم هم‌خوانی داشته باشد - جایز و روا می‌شود. این پژوهش می‌تواند با بررسی مبانی فلسفی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول وضعیت موجود را بررسی نمود و نکاتی که در این زمینه در سند تحول از آن غفلت شده را یادآور گردد یعنی باعث می‌گردد تا متخصصان و برنامه‌ریزان امر تعلیم و تربیت، با آگاهی از نکاتی که در سند از آن غفلت شده شناخت پیدا نموده و در پی اصلاح آن برآیند. همچنین با توجه به تأکیدات فروان مبنی بر اسلامی نمودن امر تعلیم و تربیت این پژوهش می‌تواند در این راستا بایان مبانی تربیتی حیات طیبه از نکاتی که در این راستا غفلت شده پرده‌برداری نماید و گامی هرچند اندک در مسیر اسلامی نمودن امر تعلیم و تربیت برداشته شود. از آنجاکه توجه به مبانی مختلف هر نوع تعلیم و تربیتی می‌تواند آن را در پیش برد برنامه‌ها و تحقق اهدافش کمک نماید - پرداختن به تبیین مبانی تربیتی حیات طیبه و بررسی آن در سند چشم‌انداز تحول ضرورت می‌یابد.

روش پژوهش

روش این پژوهش، کیفی از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیل است. اطلاعات موردنیاز به‌صورت فیش‌برداری از منابع دست اول قرآنی (تفسیر شریف المیزان و نمونه) و منابع دست دوم (آثار و نوشته‌های دیگران) است.

جامعه‌ی مورد بررسی، تمام آثار طباطبایی و مکارم شیرازی است. کتاب‌های موجود در نرم‌افزار تفسیری و دیگر کتاب‌هایی که در ارتباط با موضوع است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه مورد پژوهش منابع دست اول شامل تفسیر نمونه و المیزان، منابع دست دوم شامل کتب، شرح‌ها و پژوهش‌های نزدیک به این حیطه در تعلیم و تربیت اسلامی است. روش نمونه‌گیری این پژوهش به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند است. درواقع نمونه

عمل صالح سرچشمه حیات طیبه: ایمان که یک نوع درک و دید باطنی است، یک نوع علم و آگاهی توأم با عقیده قلبی و جنبش و حرکت است، یک نوع باور است که در اعماق جان انسان نفوذ می‌کند و سرچشمه فعالیت‌های سازنده می‌شود، اگر توأم با عمل صالح شود «حیات طیبه» را به بار می‌نشانند. پس حیات طیبه می‌تواند هم حیات اخروی باشد و هم حیات دنیوی و ظهور و بروز مرتبه‌ای از آن برای مؤمنی که عمل صالح انجام می‌دهد واقعیتی است غیر قابل انکار و این تفسیری است که علامه طباطبایی در تفسیر «حیات» آورده است. (Tabatabaei, 1995).

الف- بررسی وضعیت مبانی هستی‌شناسی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول

در منابع اسلامی مبانی استخراج‌شده عبارت‌اند از: "برخی موجودات ممکن الوجودند، وجود تأثیر و تأثر (علیت) میان موجودات برقرار است، موجوداتی که امکان وجود و عدم داشته باشند، برای وجود خود نیازمند علت‌اند، سنخیت علی-معلولی: رابطه‌ی علیت تنها میان موجوداتی است که با یکدیگر سنخیت دارند، موجودات دارای مراتب وجودی مختلف‌اند، موجودات به مادی و فرامادی تقسیم می‌شوند، تدریجی بودن عالم ماده و موجودات متعلق به ماده، تراجم در عالم ماده وجود دارد."

در بررسی‌های به‌عمل‌آمده چهار نکته قابل ذکر است:

۱. در مبانی هستی‌شناسی سند تحول در مبنای ۱-۱-۵ بیان می‌دارد: "آفرینش جهان هستی غایتمند و خداوند غایت همه موجودات است" در این زمینه به نظر می‌رسد، از نکته‌ای ظریف غفلت شده و آن عبارت است از غایت فعل الهی از خلقت جهان و موجودات آن که عبارت است از "شناخت و معرفت به امام زمان".
۲. در مبنای ۱-۱-۷ عنوان نموده "جهان آفرینش از نظام احسن برخوردار و اراده و سنن الهی بر جهان هستی حاکم است". آزادی و اختیار انسان نیز به سبب آن است که مشیت خداوند بر آن قرار گرفته

انتخاب شده شامل محتوایی از آثار طباطبایی، مکارم شیرازی و مصباح یزدی است که به بحث تربیت اسلامی پرداخته است و به نحوی انتخاب خواهد شد که پژوهشگر را در پاسخ به سؤالات تحقیق قانع کرده و اصطلاحاً به اشباع نظری برساند.

نتایج پژوهش

مفهوم حیات طیبه: حیات، یکی از مخلوقات خداوند هست، "الذی خلق الموت و الحیاء: [ملک/سوره ۶۷، آیه ۲] که دارای دو معنی است: یکی «حیات» در برابر مرگ و دیگری «حیاء» نقطه مقابل وقاحت و بی‌شرمی. ولی بعضی از محققان هر دو را به یک ریشه بازگردانده‌اند و گفته‌اند حیاء و استحياء نیز نوعی طلب حیات و سلامت است در برابر وقاحت و بی‌شرمی که نوعی از دست دادن زندگی و سلامت محسوب می‌شود (Makarem shirzie, 1995). مفسران درباره معانی حیات طیبه نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند: قناعت، سعادت، رزق حلال، بهشت، رزق روزانه، حیات طیب در قبر، توفیق به اطاعت پروردگار، شیرینی اطاعت پروردگار، شناخت پروردگار، استغناء از خلق و نیاز به پروردگار (Tabatabaei, 1995). با توجه به نتایجی که از انجام عمل صالح نصیب مؤمنان می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که حیات طیبه می‌تواند هر یک از موارد زیر باشد (اگرچه نظر قطعی نمی‌توان در این زمینه داد): بهشت، پاداش، استجاب دعا، مغفرت پروردگار، پوشاندن سیئات، داخل شدن در جمع صالحان، هدایت، درجات والا، حرکت از ظلمت به نور، رحمت پروردگار، عدم خوف، عاقبت نیکو، جانشینی در روی زمین و قرار دادن محبت در دل‌ها. پس مفهوم حیات طیبه آن‌چنان وسیع و گسترده است که همه این‌ها و غیر این‌ها را در برمی‌گیرد. زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد.

است؛ بنابراین تأثیر اراده و مشیت انسان نیز به‌رحال محدود است."

به نظر می‌رسد در این راستا، از برخی مفهومات اراده‌ی انسانی و قضا و قدر الهی غفلت شده که نهایتاً منجر به این گردیده که تأثیر اراده انسان در جهان احسن محدود تلقی شود. در این راستا توضیحاتی ارائه می‌گردد:

گروهی با استناد به ظاهر آیاتی از قرآن کریم که همه‌چیز را به اراده‌ی خدا می‌داند، چنین می‌پندارند که این موضوع با جهان مبتنی بر اسباب و مسببات و انسان متکی بر اختیار و اراده ناسازگار است. مستشرقان نوعاً دین اسلام را به عنوان دینی که اعتقاد به جبر از جمله‌ی اصول بنیادین آن است، معرفی می‌کنند، اما این اتهامی بیش نیست. استاد مطهری در این باره می‌گوید: قرآن به شکلی عموم مشیت الهی و عموم قضا و قدر را قائل است که هیچ‌گونه منافاتی بین آن و اختیار و اراده‌ی بشر نیست؛ از جمله‌ی آیاتی که مسئله‌ی اختیار و اراده‌ی بشر را به‌طور جدی مطرح فرموده است، می‌گوید: ذلک بما قَدَّمْتِ اَیْدِیْکُمْ (آل عمران، ۱۸۲)، نمی‌گوید این به موجب اعمال شماست که بگوییم ما اختیار داشتیم یا نداشتیم، می‌گوید: بما قَدَّمْتِ اَیْدِیْکُمْ، به موجب کارهایی که به دست خودتان، یعنی به اراده و اختیار خودتان بدون هیچ اجباری انجام دادید. خدا شما را مختار و آزاد آفرید. فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُکْفِرْ (کهف، ۱۸) (Motahari, 1994).

۳. به نظر می‌رسد در سند چشم‌انداز تحول، از این مبنا که موجودات دارای مراتب وجودی مختلف‌اند. اشاره‌ای به صورت صریح نشده که قابل توجه است، موجودات مختلف در برخورداری‌ها و دارایی‌هایشان با یکدیگر متفاوت‌اند؛ و این تفاوت خود باعث ایجاد تفاوت‌ها در تکالیف و وظایف آنان ایجاد می‌کند.

۴. در سند چشم‌انداز تحول به نظر می‌رسد، ذکر این مبنا که موجودات به مادی و فرامادی تقسیم می‌شوند اشاره‌ای نشده که قابل ذکر است.

ب- بررسی مبانی انسان‌شناسی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول
مهم‌ترین مبانی عبارت‌اند از:

انسان، موجودی مرکب از روح و بدن است، روح انسان - برخلاف بدن - امری غیرمادی (مجرد) است. بخش اصیل وجود انسان، روح اوست، روح انسان فناپذیر و جاویدان است. مراتب طولی و شئون عرضی روح و وجود تزامم در آن‌ها، ویژگی‌های روحی و بدنی انسان به‌صورت تدریجی قابل تغییرند، روح و بدن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، وجود سرشتی مشترک و فطرتی الهی در همه‌ی انسان‌ها، انسان موجودی دارای اختیار است، انسان موجودی هدفمند است. انسان دارای حب ذات است، انسان همواره در پی دستیابی به کمال است، (rajabi, 2011) نامتناهی بودن کمال جویی انسان، کمال نهایی انسان: قرب به خداوند متعال است، مقدمه بودن زندگی دنیوی انسان برای زندگی اخروی، وابستگی کمال حقیقی انسان به افعال اختیاری او است، تأثیرگذاری انسان بر موجودات دیگر و تأثیرپذیری از آن‌ها، اجتماعی بودن انسان، نیازمندی انسان به وحی برای دستیابی به کمال حقیقی، کمال حقیقی انسان وابسته به رشد هماهنگ و متناسب قابلیت‌های اوست، وجود موانع در راه رسیدن به کمال انسان در راه رسیدن به کمال با موانعی روبه‌روست، تفاوت انسان‌ها در ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها، مسئولیت انسان در برابر خدا درباره‌ی خود و همه‌ی موجودات دیگر، کرامت تکوینی و اکتسابی انسان.

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده نکاتی در زمینه مبانی انسان‌شناسی سند چشم‌انداز تحول قابل ذکر است که عبارت‌اند از:

۱. با توجه به اینکه سند چشم‌انداز، در راستای تحول بنیادین در امر آموزش و پرورش و یا به عبارتی چنان‌که در عنوان سند ذکر شده، در راستای نظام

پ- بررسی وضعیت مبانی معرفت‌شناسی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول

مهم‌ترین مبانی عبارت‌اند از: "امکان و وقوع شناخت یقینی، امکان و وقوع شناخت مطلق، امکان شناخت عالم خارج از ذهن، امکان شناخت امور نامحسوس، امکان انتقال شناخت (تعلیم)، تقسیم علم به حضوری و حصولی، صدق؛ مطابقت علم حصولی با واقع.

معرفت صادق، معرفتی حصولی است که با واقع مطابق باشد، خطاناپذیری علم حضوری، مراتب علم حضوری، ابزارهای علم حصولی (حس، خیال و عقل، ابزارهای اصلی علم حصولی‌اند و انواع استدلال، تجربه، مرجعیت و تواتر از جمله راه‌های فرعی)، اعتبار انواع معرفت‌های دینی معرفت‌های یقینی دین معتبرند و نیز معرفت‌های ظنی که دلیل معتبری برای عمل به آن‌ها وجود دارد، در عمل معتبرند." (mesbah Yazdi, 2011)

با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده پنج نکته قابل‌ذکر است که به نظر می‌رسد در سند چشم‌انداز تحول به آن‌ها پرداخته نشده است که عبارت‌اند از:

۱. در سند چشم‌انداز در مبحث ارائه مبانی معرفت‌شناسی از یک امر غفلت شده است و آن اینکه اصل سند تحول در زمینه آموزش و پرورش است، اما در باب اصل امکان تعلیم و تعلم و اصل شناخت مبحثی جداگانه مطرح نشده است.
۲. در سند چشم‌انداز، از در مبانی معرفت‌شناختی ۱-۳-۲، از مراتب و سطوح مختلف علم بحث شده، اما تنها سطوح علم حصولی که شامل "سه مرتبه حسی، خیالی، عقلی" است بحث شده، اما از مبحث مراتب علم حضوری غفلت شده است.
۳. در ابزارهای علم حصولی در سند چشم‌انداز مبانی ۱-۳-۶، به حواس و عقل و شهود و مکاشفه و وحی و الهام اشاره شده، ولی به راه‌های فرعی ابزارها که شامل انواع استدلال و تجربه و مرجعیت و تواتر است، اشاره‌ای نشده که حائز اهمیت است.

تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است و قسمت‌های عمده سند در مورد تربیت و ساحت‌های مختلف تربیت بحث می‌نماید؛ اما باین‌وجود در گزاره‌های مطرح در قسمت مبانی انسان‌شناسی سند به جریان تعلیم‌پذیری و امکان تربیت انسان به‌طور صریح اشاره نشده است. به نظر می‌رسد در سند چشم‌انداز تحول، در مبحث انسان‌شناسی ضروری بود به این مقوله به‌عنوان یک مبانی اساسی و کاملاً مجزا پرداخته می‌شد.

۲. در سند چشم‌انداز تحول به نظر می‌رسد، ذکر مبانی با عنوان ضرورت و حس نیازهای تربیتی به‌صورت یک مبانی مجزا لازم به ذکر است.

۳. از طرفی در عنوان بحث تولی اسوه مطرح شده اما از مبحث تبری حرفی زده نشده است.

«تولی و تبری»، دو اصطلاح قرآنی است که از دیدگاه شیعه، از جمله فروع دین و از واجبات اسلام شمرده می‌شود. این دو واژه، به ترتیب، به معنای دوستی با دوستان خدا و نزدیکی به اهل حق و دشمنی با دشمنان خدا و دوری از اهل باطل است. تولی در ۵۷ سوره از قرآن و ۲۳۳ بار و تبری در ۲۰ سوره و ۳۰ بار به‌کاررفته است؛ بنابراین جهت اكمال بحث ضروری است، مبحث تبری از معاندان و ظالمان و دشمنان پیامبران و ائمه به‌عنوان اسوه‌های حسنه در کنار بحث تولی گنجانده شود (javadi Amolie, 2004).

۴. در سند چشم‌انداز تحول، در مبانی ۱-۲-۱ عنوان شده "انسان موجودی است، مرکب از جسم و روح؛ دو حیثیت درهم‌تنیده و مرتبط". در این مبنا از دوبعدی بودن انسان بحث شده و از ارتباط متقابل آن‌ها بحث گردیده اما از تغییرپذیری تدریجی روح و بدن حرفی بیان نشده است که به نظر می‌رسد ذکر آن ضروری است.

حقیقی و واقعی بر اساس نظام معیار اسلامی اثبات پذیرند و این خود یکی از مبانی ارزشی محسوب می‌گردد که قابل ذکر است.

۲. در مبنای ۲-۴-۱، عنوان نموده: اعتبار ارزش‌ها هم از طریق عقل و فطرت انسانی و هم با مراجعه به نظام معیار دینی معلوم می‌گردد". درست است که عقل و فطرت و از طرفی وحی راه تشخیص ارزش‌ها است، اما به نظر می‌رسد در پاره‌ای امر تجربه هم راه تشخیص ارزش محسوب می‌گردد، از طرف دیگر عقل تنها در موارد کلی، ارزش برتر را تشخیص می‌دهد، ولی در دیگر تجربیات عملی می‌تواند کمک دهنده باشد بدین ترتیب می‌توان گفت "راه تشخیص ارزش، عقل، تجربه و وحی است.

۳. در مبنای ۳-۴-۱، عنوان نموده "ارزش‌ها انواع و مراتب مختلف دارند و به شکل سببیه مراتبی با غایت اصیل زندگی آدمی -یعنی قرب الی الله - ارتباط دارند. در این مبنا به انواع ارزش‌ها از نوع غایی و ابزاری و مطلق و نسبی بودن ارزش‌ها اشاره کرده و قرب الی الله را محور ارزش‌ها قرار داده است اما اشاره نشده که در تزامم ارزش‌ها چه ارزشی معتبر است. به نظر می‌رسد انتخاب معقول در تزامم ارزش‌ها مطرح است.

۴. در مبنای ۴-۴-۱، عنوان نموده "ارزشمند دانستن هر عمل هم تابع حسن فعلی و هم وابسته به حسن فاعلی است. در این مبنا لازم است علاوه بر حسن فاعلی و حسن فعلی، حدنصاب ارزش نیز مطرح شود، حد نصاب ارزش، ایمان به اصول دین است.

۵. در مبنای ۸-۴-۱، عنوان نموده "یکی از ویژگی‌های مهم حیات طیبه توازن و اعتدال در ابعاد مختلف آن است چنانچه در آیه کریمه صراحتاً ذکر شده حیات طیبه بر دو پایه استوار است: «ایمان» و «عمل صالح»؛ بنابراین به نظر می‌رسد، بهتر است این مبنا به این صورت اصلاح

۴. در مبانی معرفت‌شناختی اسلامی، اصل تهذیب نفس و صفای باطن (تزکیه) جایگاه اصیل دارد که به نص صریح قرآنی می‌تواند بستر دریافت علم حقیقی را از جانب خداوند عالم مهیا نماید. به نظر می‌رسد در مبنای شماره ۶-۳-۱، از شهود و کاشفه و یا الهام بحث نموده، اما از تهذیب نفس و تزکیه که اصل بسیار مهم در دریافت علم حقیقی توسط انسان‌های غیر معصوم است، سخنی بیان نشده است.

۵. در سند چشم‌انداز در مبنای ۸-۳-۱، از موانع و محدودیت شناخت آدمی بحث شده است، اما موانع دریافت و شناخت مفاهیم غیرمادی (ماوراءطبیعی)، همچون "انس به محسوسات، محدودیت زبان بشری و تطور زبان" بحث نشده که به نظر می‌رسد لازم به ذکر است.

ت- بررسی وضعیت مبانی ارزش‌شناسی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول

مهم‌ترین مبانی عبارت‌اند از: "ارزش تقریباً مرادف با مطلوبیت است. ارزش به متعلق دستورها، سلیقه‌ها و قراردادهای و نیز به اهداف، افعال، اشیا و اشخاص، قابل اطلاق است. ارزش در دانش‌های عملی، امری واقعی است، اثبات پذیر بودن ارزش‌های واقعی برخی ارزش‌ها، ذاتی، نا وابسته و غایی‌اند و برخی غیری، وابسته و ابزاری، ارزش واقعی همه‌ی امور به ارزش هدف نهایی وابسته است، هدف نهایی، کمال انسان (قرب به خداوند) است، اصول ارزشی ثابت و مطلق‌اند و ارزش سایر امور، متغیر و وابسته به تأثیرشان در هدف نهایی است، ارزش کار اختیاری وابسته به نوع کار و نیت فاعل است، در امور متزامم، ارزش برتر، ملاک انتخاب معقول است، حد نصاب ارزش، ایمان به اصول دین است، راه تشخیص ارزش، عقل، تجربه و وحی است." (mesbah yazdi,2011)

۱. در مبنای ۱-۴-۱، عنوان نموده "اعتبار ارزش‌های حقیقی بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن تکیه دارد." باید توجه داشت که ارزش‌های

مبانی دین‌شناسی حیات طیبه که از منابع اسلامی استخراج شده عبارت‌اند از: دین حقیقت واحد دارد، جامعیت دین اسلام، دعوت‌کننده به تعقل، دعوت به آبادانی طبیعت، فطری بودن دین و اعتقاد به خدا، پاسخگوی نیازهای بشری، عنصر اجتهاد، منابع دین (کتاب، سنت، عقل، اجماع)، ترسیم‌کننده آینده بشری، دین مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی، دین اسلام توحید محور است (jafari,2009).

با توجه به بررسی به عمل درآمده در مورد پرسش پنجم پنج نکته قابل ذکر است که عبارت‌اند از:

۱. در مبانی دین‌شناسی ۱-۵-۱ "خاستگاه و مقصد دین حق (اسلام) را فطرت انسان و شکوفایی آن است. در این راستا توجه به نکاتی ضروری است" پیامبر اسلام، شخصیتی است که دین اسلام بر قلب ایشان نازل گشته است و عالم‌ترین انسان به دین الهی اسلام است. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در حدیث معروفی می‌فرماید: «من تنها برای تکمیل فضایل اخلاق باشد، بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به کلام قاطعانه پیامبر اسلام، تکامل اخلاقی که در ارتباط مستقیم با فطرت انسانی است، خاستگاه و مقصد دین است.
۲. در مبنای ۳-۵-۱، عنوان شده "دین برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد ما را علاوه بر استفاده از تجارب متراکم بشری به خلاقیت و ابداع و فعلیت بخشیدن به همه ظرفیت‌های فکری خویش فرامی‌خواند". به نظر می‌رسد در این مبنا ذکر دو منع غنی و اصیل اسلام لازم است که قبل از تجارب متراکم بشری و خلاقیت انسانی باید از آن بهره گرفت و آن عبارت است از "قرآن و عترت" که در این راستا به آن اشاره‌ای نشده است.
۳. در سند چشم‌انداز تحول که حیات طیبه در آن نقش محوری دارد، در مبانی دین‌شناسی، از یکی از اساسی‌ترین بحث که بسترساز حیات طیبه و از مقدمات عمل صالح است، غفلت شده است؛ و آن

گردد "یکی از ویژگی‌های مهم حیات طیبه ایمان و عمل صالح است که زمینه‌ساز ایجاد توازن و اعتدال در ابعاد مختلف آن است.

۶. در مبنای ۱۱-۴-۱، عنوان نموده "آزادی حقیقی انسان در رهایی از همه موانع درونی و بیرونی رشد و تعالی انسان و حرکت به سوی عبودیت خداوند است" چنانچه ذکر گردید. آزادی حقیقی انسان در ابعاد وسیع فردی و اجتماعی مطرح است، اما تمام این امور در سایه حاکمیت الهی در جلوه حاکمیت ولایت در جامعه قابل وصول است؛ اما در این مبنا اشاره‌ای به ولایت در جامعه و نقش آن در دستیابی به این مبنا نشده است.

۷. در مبنای ۱۳-۴-۱، عنوان شده "رأفت و احسان و گذشت و بخشش مهم‌ترین ارزش‌های متمم عدالت هستند".

فضیلت اخلاقی گذشت و بخشش، از مهم‌ترین فضایل اخلاقی محسوب می‌شود، اما در همه زمینه‌ها متمم عدالت نیست (Mohamdi,2001). به نظر می‌رسد بهتر آن بود که در بحث مبانی از بصیرت به عنوان مبنای عدالت و یا بسترساز عدالت مبحثی مطرح می‌شد.

۸. در مبنای ۱۶-۴-۱، عنوان نموده "طبیعت و پدیده‌های طبیعی را افزون بر ارزش ابزاری در جهت تحقق غایت زندگی باید با نگرش نمادین به مثابه آیاتی از حکمت لطف و اقتدار الهی ملاحظه نمود" چنانچه اشاره شده، طبیعت جنبه ارزش ابزاری در جهت تحقق غایت زندگی دارد و از طرفی، اگر طبیعت و پدیده‌های آن آیات الهی از حکمت و لطف و اقتدار الهی است پس فی‌نفسه دارای ارزش می‌باشند و چنانچه در قرآن و روایات اشاره شده، انسان موظف به آبادانی آن و حفظ آن می‌باشد لذا دارای ارزش ذاتی است.

ث- بررسی وضعیت مبانی دین‌شناسی حیات طیبه در سند چشم‌انداز تحول

در زمینه مبانی معرفت‌شناختی سند چشم‌انداز تحول ذکر شده، این نتایج حاصل می‌گردد:

۱. در سند چشم‌انداز تحول، از اصل امکان شناخت و تعلیم و تربیت بحثی نشده است.
 ۲. در سند چشم‌انداز تحول، از بحث مراتب علم حضوری بحثی مطرح نشده است، در حالی که این خود یک مبنای مجزا در مبانی معرفت‌شناختی اسلامی است.
 ۳. در سند چشم‌انداز تحول، از ابزارهای اصلی علم حصولی مباحثی مطرح شده، اما از راه‌های فرعی علم حصولی، همچون استدلال، تجربه، مرجعیت و تواتر، بحثی مطرح نشده است.
 ۴. با توجه به اینکه برخی معرفت‌های حصولی، پیش‌نیاز برخی دیگر از معارف حصولی هستند، اما در سند چشم‌انداز تحول، از این مبنا اشاره‌ای نشده است.
 ۵. همچنین در سند چشم‌انداز از پیش‌نیاز بودن برخی علوم و دانش‌ها، برای برخی دیگر، مباحثی مطرح نشده است.
 ۶. در سند چشم‌انداز تحول، از وحی و الهام، به انبیا و اولیای معصوم، مباحثی ارائه شده است؛ اما از تهذیب نفس و تزکیه نفس که یک مبنای قرآنی، در دست‌یابی به علم حقیقی برای انسان‌های غیر معصوم است، مباحثی مطرح نشده است.
- در زمینه مبانی ارزش‌شناختی در سند چشم‌انداز، نتایج زیر حاصل می‌شود:
۱. در سند چشم‌انداز تحول، از این مبنا که ارزش‌های حقیقی و واقعی اثبات پذیرند، بحثی نشده است.
 ۲. در سند چشم‌انداز تحول، اعتبار ارزش‌ها را از طریق عقل و فطرت و نظام معیار دینی مطرح می‌کند، در حالی که در تشخیص ارزش‌ها تجربه نیز مطرح است که در سند به آن اشاره‌ای نشده است.
 ۳. در سند چشم‌انداز تحول، به تراجم ارزش‌ها اشاره‌ای نشده است، در حالی که انتخاب معقول،

اصل تزکیه و تهذیب نفس است که منجر به کمال نفسانی انسان می‌شود.

۴. در مبانی دین‌شناسی سند چشم‌انداز تحول، از یکی از جنبه‌های دینی غفلت شده و آن عبارت است، از تعمق‌نگری و بصیرت انسان مسلمان و مؤمن که این بصیرت موجب درک درست از دین و استفاده صحیح از آن در متن زندگی است؛ و مراقبت از سکولاریسم پنهان که در کلام رهبری به آن صراحتاً اشاره شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در یک نگاه تطبیقی، متوجه خواهیم شد بسیاری از مبانی در سند تحول، در غالب یک مبنا و یا ضمن یک مبنا اشاره شده است، اما از نکاتی نیز غفلت شده است؛ بنابراین در این برآورد تطبیقی نتایج زیر حاصل شد:

- در زمینه مبانی هستی‌شناسی ذکر شده در سند تحول:
۱. از مبحث غایت فعل الهی غفلت شده است.
 ۲. برخی مفهومات اصیل اسلامی در زمینه اراده انسانی غفلت شده است.
 ۳. به این مبنا که موجودات دارای مراتب مختلفی هستند اشاره نشده است.
 ۴. همچنین از مبنای تقسیم موجودات به مادی و فرامادی به‌صورت صریح بحثی نشده است
- در زمینه مبانی انسان‌شناسی ذکر شده در سند تحول نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. در سند چشم‌انداز از این مبنا که اصل تربیت در انسان امکان‌پذیر است غفلت شده است.
۲. نکته دوم آنکه در مبانی سند تحول از ضرورت و حس نیازهای تربیتی بحثی مطرح نشده است.
۳. در سند چشم‌انداز تحول از مبحث روح و جسم و ارتباط آن‌ها مطرح شده اما از بحث تغییرپذیری تدریجی روح و جسم اشاره‌ای نشده است.
۴. در سند چشم‌انداز تحول، از این مبنا که انسان دارای حب ذات است، اشاره صریحی نشده است.

زندگی) است، ذکری به میان نیامده، درحالی‌که جای بر آن داشت به‌صورت مجزا ذکر گردد.

۵. در سند چشم‌انداز تحول، در بخش دین‌شناختی، از اصل بسیار مهم تزکیه و تهذیب نفس که مقدمه کمال انسانی و از مقدمات عمل صالح است، بحثی نشده است. هرچند جای بر آن داشت که به‌صورت مجزا ذکر گردد.

نتیجه‌نهایی

بررسی‌های به‌عمل‌آمده نشان می‌دهد، در پنج بخش میانی فلسفی سند چشم‌انداز تحول، از ۲۸ مورد غفلت شده است که بیشترین موارد در زمینه مبانی ارزش‌شناسی (۹ مورد)، مبانی انسان‌شناسی (۶ مورد) است که نیاز به بازنگری و دقت ویژه توسط مسئولین و متخصصین امر و تربیت دارد.

منابع

- Barden, L. (1995). Content Analysis. pp.34. Tehran University Publication.
- Jafari, M. (2009). A second look on Islamic education. PP.67-70. Tehran: Nashr asaer-e-Allameh Jafari zekr Institute.
- Javadi Amoli, A. (2004). Quran commentary (Tohid in qouran). PP.118. Qom: sadra Publication.
- Makarem Shirazi, N. & Collegeous. (1995). Nemoneh commentary, No 4, PP200-204. Tehran: darolketab -e-Islamei Publication.
- Mesbah Yazdi, M. (2011). Phylosophy of Islamic education. PP.55-67. Tehran: Madreseh Publication
- Mohammadi, M. (2001). The ethical systems in Iran. PP.58. Tehran: kavir Publication.
- Motahari, M. (1994). Education in Islamic system. PP.121-123. Tehran: sadra Publications.
- Rajabi, M. (2011). Anthropology. PP.120. Qom: Imam Khomeini publication.
- Shokohi, G. (2006). The foundations and principals of education. pp.85. Mashhad: Astaneh ghods - e- razavai Publication.
- Tabatabaee, M. (1995). Almizan commentary. No12, PP 493-495. Qom: Islamic office Publication.

ملاک انتخاب در تزامم ارزش‌ها است؛ که این مورد خود می‌تواند به‌صورت یک مبنا مجزا مطرح شود.

۴. در سند چشم‌انداز تحول، از حد نصاب ارزش‌ها که ایمان به اصول دین است، مبحثی مطرح نشده است.

۵. در سند چشم‌انداز تحول، از ایمان و عمل صالح، به‌عنوان دو شاخصه اصلی تضمین‌کننده حیات طیبه که می‌تواند بستر ایجاد توازن و اعتدال در حیات طیبه گردد، اشاره‌ای نشده است.

۶. در سند چشم‌انداز تحول، در مبحث آزادی حقیقی برای انسان از حاکمیت الهی، در جلوه حکومت ولایت در جامعه که متضمن ایجاد آزادی حقیقی برای انسان‌هاست، مبحثی مطرح نشده است.

۷. در سند چشم‌انداز تحول، از بصیرت به‌عنوان مبانی ژرف در ایجاد عدالت و درک عدالت، اشاره‌ای نشده است.

۸. در سند چشم‌انداز تحول، از ارزش ابزاری طبیعت بحث شده، اما از ارزش ذاتی طبیعت که جلوه آیات الهی است، اشاره‌ای نشده است.

در مبانی دین‌شناسی سند چشم‌انداز تحول، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

۱. در مبنای ۱-۵-۱ سند چشم‌انداز تحول، از تکامل اخلاقی که در ارتباط مستقیم با فطرت انسانی است، بحثی نشده است.

۲. در مبنای ۳-۵-۱ در سند چشم‌انداز، از ذکر دو منبع اصیل و غنی اسلامی یعنی قرآن و عترت، اشاره‌ای نشده است.

۳. در سند چشم‌انداز تحول، از تعمق‌نگری و بصیرت در امور دین که باعث درک صحیح از دین در متن زندگی می‌شود، غفلت شده است. درحالی‌که جای داشت به‌عنوان یک مبنا مجزا مطرح می‌گردید.

۴. در سند چشم‌انداز تحول از یک مبنای وسیع یعنی " پیشرفت همه‌جانبه به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی که دارای دو بعد ابزاری و متنی (سبک